

روایت علی مطهری از مخالفان تفاهم:

برخی مخالفان حسن نیت دارند

در هفته های اخیر همزمان با پیشرفت گفت وگوهای ایران و آمریکا و امضای تفاهم نامه، موج تازه‌ای از مخالفت‌ها از سوی برخی چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری شکل گرفته است؛ مخالفت‌هایی که از زمان آتش بس آغاز شد و با جادی تر شدن مذاکرات، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. اما در کنار این اختلاف نظرها ی سیاسی، پرسش مهم دیگری نیز مطرح شده است؛ اینکه چرا بخشی از مخالفان، پس از روشن شدن حمایت و همراهی ارکان اصلی نظام با روند مذاکرات، همچنان بر شدت انتقادات خود افزوده اند؟ آیا این مخالفت‌ها صرفاً ریشه در یک باور و تحلیل سیاسی دارد یا بخشی از آن به رقابت‌های جناحی و نگرانی از ثبت یک دستاورد سیاسی به نام رقیب بازمی‌گردد؟

تفاوت میان انتقاد و تخریب
یک نماینده ادوار مجلس در خصوص مخالفت تندروها با مذاکره و دیپلماسی اظهار داشت: مخالفت اینها ناشی از اعتقادی است که دارند. این ها فکر می کنند که اصولاً مذاکره با آمریکا کار بیبوده‌ای است و هیچ فایده‌ای برای کشور ندارد. ممکن است گاهی هم به سخنان رهبر شهید استناد کنند که در شرایط خاصی جمله‌ای در رد مذاکره گفته باشند و همان را دلیلی بگیرند که ماصلاً نباید مذاکره کنیم. خیر آن‌لین نوشت: علی مطهری گفت: به هر حال، عده‌ای از آن‌ها حسن نیت دارند و واقعاً عقیده شان همین است. اما عده‌ای هم هستند که بر اساس رقابت‌های سیاسی عمل می‌کنند و از اینکه یک تفاهم خوب توسط جناح رقیشان حاصل شود، احساس نگرانی می‌کنند. ما باید خوش بین باشیم و فرض اول را در نظر بگیریم که اینها از روی اعتقاد چنین حرف‌هایی می‌زنند، اما افراط در این کار و ادامه دادن این مخالفت‌ها، مقداری از خوش بینی انسان کم می‌کند. وی افزود: چند روز اول می شد گفت چون تازه موضوع مطرح شده، مخالفت‌هایی هم صورت گرفته است؛ اما وقتی روشن می‌شود که این تفاهم نامه در واقع تصمیم کل نظام است و تحت نظر رهبری انجام می‌شود، دیگر ادامه این مخالفت‌ها چندان مسموع واقع نمی‌شود؛ مخصوصاً از سوی کسانی که بسیار بر تبعیت از ولی فقیه تأکید دارند. بنابراین باید میان اظهار نظر و انتقاد عالمانه با تخریب، تمهت زدن و امثال آن تفاوت قائل شد. در این چند روز، در برخی جمععات، گاهی به بعضی از مقامات کشور توهین شد که کار خوبی نیست.

مبارزه بهتر
نایب رئیس مجلس دهم بیان کرد: البته این مخالفت‌ها ممکن است آثار مثبتی هم داشته باشد. بازخورد بیرونی آن این است که طرف مقابل می‌فهمد در ایران گروه‌ها و افرادی هستند که خواهان امتیازات بیشترند و خواهان ادامه جنگ هستند، بنابراین بهتر است همین تفاهم نامه را زودتر امضا کنند. این می‌تواند به نوعی اهرم فشاری بر دشمن هم باشد. همان‌طور که در خود آمریکا نیز گروه‌هایی هستند که با این تفاهم نامه مخالفانند و می‌خواهند به نوعی آن را به هم بزنند. به هر حال، ما باید این مسائل را به حساب آزادی بیان، اظهار نظر و پیگیری منافع ملی بگذاریم، نباید بدبین باشیم و بگوئیم اینها حتما به خاطر منافع شخصی یا گروهی خودشان چنین کارهایی می‌کنند. باید وحدت و انسجام خود را حفظ کنیم تا دشمن طمع امتیازگیری از ما نداشته باشد. وی در خصوص احتمال این مخالفت‌ها در دولت همسویاتندروها بیان کرد: البته این دو مورد قابل مقایسه نیستند، زیرا شرایط امروز با شرایط دوره دولت سیزدهم متفاوت است. امروز رسماً رهبر ما را شهید کرده‌اند، بسیاری از فرماندهان ارشد نظامی ما را شهید کرده‌اند و شخصیتی مانند آقای دکتر لاریجانی را شهید کرده‌اند. مخالفان می‌گویند نمی‌شود ما به این راحتی با چنین طرفی تفاهم کنیم و دست دوستی به سوی آن‌ها دراز کنیم. به هر حال، آن‌ها هم برای خودشان منطقی دارند. وی ادامه داد: اما حرف ما این است که اتفاقاً با همین تفاهم نامه و امتیازاتی که در آن می‌گیریم، اقتصاد کشور را تقویت می‌کنیم و کشور را در مسیر توسعه، پیشرفت و رفاه بیشتر مردم قرار می‌دهیم. همین موضوع عامل قدرت ما خواهد شد تا در آینده بهتر بتوانیم با رژیم صهیونیستی و خود آمریکا مبارزه کنیم. می‌خواهم بگویم شرایط متفاوت است و آن دوره حساسی امروز را ندانست. البته آن‌ها به خاطر ندارم که در آن زمان این افراد مخالفت می‌کردند یا نه، اما طبیعتاً متناسب با شرایط می‌توانند رفتار متفاوتی داشته باشند. عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه در خصوص آینده سیاسی تندروها تصریح کرد: فکر می‌کنم بسیاری از این افراد از تندروی دست خواهند کشید و بعید است بخواهند همچنان این مسیر را ادامه دهند. بالاخره حرفشان این است که ما منابع ولی فقیه هستیم و من بعد می‌دانم این تندروی‌ها بخواهد به مدت طولانی ادامه پیدا کند.

«آرمان ملی» به بهانه امضای تفاهمنامه اولیه بین ایران و آمریکا گزارشی می دهد

فعال شدن مخالفان تفاهم در ایران و آمریکا



آرمان ملی - مرتضی خبازیان: تفاهم اولیه بین تهران و واشینگتن به امضای دو طرف رسید. این تفاهم با صفت اولیه به معنای آغاز راه مذاکراتی فشرده برای رسیدن به توافق برای چگونگی عملکرد در نقاط مورد اختلاف است. به عبارت دیگر هنوز اتفافی نیفتاده و چنان که از عنوان برمی آید، چیزی جز تفاهم نیست. ظاهراً دو طرف ماجرا تلاش کرده‌اند نشان دهند که به فهم مشترکی از یک مشکل رسیده‌اند. در عین حال همین تفاهم اولیه هم در دو سوی ماجرا و البته در بین مقامات رژیم صهیونیستی با مخالفت‌هایی مواجه بوده است. این مخالفت‌ها گاهی این احتمال را برجسته می‌کرد که شاید تفاهم اولیه هم شکل نگیرد. با توجه به اینکه بستر سیاست‌ورزی در ایران با آمریکا تفاوت‌های بنیادی دارد، به نظر می‌رسد کار در سمت ایران سخت‌تر بوده است. در ایران تجربه برجام وجود داشت که بعد از مذاکرات فشرده و سنگین، در نهایت از سوی آمریکا کنار گذاشته شد و ایران از امکانات اقتصادی برجام بهره چندان نبرد.

برجام و تفاهم اولیه
در ایران برخی مخالفان رفع تنش با آمریکا، تفاهم اولیه فعلی را با برجام قابل مقایسه می‌کنند در حالی که این دو را نمی‌توان با هم مقایسه کرد. فضای سیاسی، اقتصادی و امنیتی امروز با دورانی که در آن برجام شکل گرفت شباهت ندارد و همین عدم شباهت برای رد کردن مقایسه این دو کافی است. دیگر اینکه برجام نقطه پایان مذاکرات بود و این تفاهم، نقطه آغاز مسیر مذاکرات است. به بیان دیگر هنوز اتفافی رخ نداده و فقط مسیر حرکت برای رسیدن به توافق ترسیم شده است. برجام حاصل شرایطی بود که در دوران احمدی نژاد ایجاد شد و با وارد شدن شورای امنیت به ماجرا، فشار روی کشور اوج گرفت. تحریم‌های همه‌جانبه راه را بر هرگونه تحرک فعالان اقتصادی کشور بسته بود و علاوه بر آن نشانه‌های روشنی از افزایش تنش دیده می‌شد و این نگرانی وجود داشت که کشور در معرض تهاجم نظامی قرار گیرد. دولت روحانی بعد از به دست گرفتن امور کشور، به سرعت سراغ کاهش تنش رفت و مذاکراتی که قبل از شروع دولت او در منتهی به برجام از همان ابتدا مخالفان

قدرتمندی در کشور داشت که نگاه آنها به مشکل و روشی که دولت روحانی برای حل آن برگزیده بود، از اساس تفاوت داشت. روش مدیریتی احمدی نژاد در دولت‌های نهم و دهم موجب تقویت گروه‌های اقتصادی شده بود که تحریم‌ها را دور زد و نیازهای کشور را رفع می‌کردند و در این بین خودشان هم از این وضعیت استفاده می‌کردند. در دولت روحانی تقریباً تمام مسئولان ارشد کشور متوجه این وضعیت شده بودند که دور زدن تحریم‌ها به شکل سابق، موجب از دست رفتن سرمایه‌های کشور خواهد شد و از این رو به این نتیجه رسیده بودند که بهتر است راهی برای ضعیف‌تر کردن حلقه تحریم‌ها باشد. مذاکرات برجام با درک روشنی از این شرایط آغاز شد و معلوم بود که از همان ابتدا با گروه‌های قدرتمندی که از مواهب دور زدن تحریم‌ها بهره‌مند می‌شده‌اند، درگیر خواهد بود. بخصوص که آن گروه‌های قدرتمند، در لایه‌های دوم و سوم مدیریتی حضور داشتند و دیدگاه آنها در همایش دلولایسیم منعکس شد. دلولایسان گروهی بودند که از همان ابتدای آغاز مذاکرات برجامی بنای مخالفت صریح با آن گذاشتند اما وابستگی‌های جریانی به پاشنه آشیل آنها تبدیل شد. مشاور وزیر نفت و معاون وزیر بازرگانی در دولت اصلاحات معتقد بود: «دولایس‌ها پشتوانه مالی خوبی دارند و به دلیل سال‌ها حضور

در قدرت و منابع مالی که در اختیارشان قرار گرفته، حالا نگران عدم بازنگشت به قدرت هستند و ناتوانی از باززایی سیاسی». اگرچه مخالفان مذاکرات برجام به تلاش خود افزوده بودند، اما نوع برخورد دولت با برجام هم دلیل قانع‌کننده‌ای بود که مدت‌ها قبل از رسیدن به توافق برجام، موجب نگرانی در برخی لایه‌های سیاسی و مدیریتی شده بود. مخالفان سیاسی دولت این شائبه را تقویت می‌کردند که دولت قصد دارد از برجام، کارت برنده‌ای در سیاست داخلی بسازد. از نظر آنها اگر دولت می‌توانست تمام اهداف برجامی را محقق کند، در سیاست داخلی هم دست بالا را پیدا می‌کرد و مجال تحرک از رقبای سیاسی دولت گرفته می‌شد. چه بسا اگر دولت روحانی نشان می‌داد که نمی‌خواهد دشمن‌های برجامی را به سیاست داخلی گره بزند، می‌توانست مخالفت‌های رو به تازید را کنترل کند. در نهایت برجام قبل از اینکه توسط آمریکایی‌ها کنار گذاشته شود، در داخل به دست انداز افتاده بود. برجام هرچه بود، تجربه‌ای یگانه در سیاست خارجی کشور محسوب می‌شود که به نوبه خود توانست سایه دیگری نظامی را از سر کشور دور کند. به این نشان که تا زمانی که برجام در جریان بود، حتی همان سایه تضعیف‌شده، احتمال دیگری و جنگ با لادر نظر گرفته نمی‌شد و فقط با پایان برجام بود که هم مکانیسم

دو نولد ترامپ رسیده است. ماشه فعال شد و هم تنش‌ها مرحله به مرحله افزایش یافت تا به دیگری نظامی رسید. **تفاهم اولیه، نیاز دوسویه**
تفاهم اولیه بین ایران و آمریکا از دل یک درگیری تمام‌عیار بیرون آمده است؛ آمریکا و اسرائیل در یک سو و ایران و نیروهای مقاومت در سوی دیگر. با شروع درگیری نفس در سینه کشورهای منطقه حبس شد. کشورهای منطقه در موقعیتی دوگانه قرار گرفته بودند. آنها از یکسو کشورهای هم‌پیمان آمریکا محسوب می‌شدند و از سوی دیگر نگران تضعیف شدید ایران و برتری مطلق صهیونیست‌ها بودند. صرف نظر از وضعیت سیاسی، آنچه که جنگ را به سوی پایان برد، هزینه سنگین آن برای طرفین بود. ایران از تنگه‌هرمز برای اعمال تسلط خود بر نیروهای دشمن نهایت استفاده را برد. شرایط داخلی آمریکا اجازه ادامه یافتن جنگ در منطقه را دشوارتر کرد و برآمدن صدای اعتراض نسبت به تحت‌تاثیر قرار زدن اقتصاد آمریکایی‌ها از جنگ، دولت ترامپ را واداشت که وارد مسیر پایان جنگ شود. اگر تصور کنیم که برجام حاصل نیاز کشور، به کاهش تحریم‌ها بود و از سوی آمریکایی‌ها بود و نبودن آن فرقی نمی‌کرد، تفاهم اولیه چنین نیست و نیازی دوسویه است. این مهم‌ترین تفاوت برجام با تفاهم اولیه‌ای است که به امضای مسعود پزیشکیان و دونالد ترامپ رسیده است.

«آرمان ملی» از هجمه سنگین تندروها به مسئولان کشور گزارش می دهد

تندروها و درروی ساختار مدیریتی کشور



خارج‌های که خون‌آماش را معامله می‌کند، منافع ملتش را می‌فروشد... اینجا نمایندگی کاخ سفید است که تبدیل به حسینیه شد. از این نمایندگی کاخ سفید در ایران که حسینیه شد، شروع می‌کنیم و به زودی کاخ سفید در آمریکا را هم حسینیه خواهیم کرد». تا بناک نوشته است که یکی از کانال‌های تلویزیونی در رژیم صهیونیستی به زیرنویس عبری جمعی را نشان داده که در آن فریاد می‌زنند: «اگر چیزی امضا شد، مسئول باید کشته شه».

برداشت از سخنان رهبری
از زمانی که با آتش بس موقت، جنگ متوقف شد تاکنون، پیوسته گفته می‌شد که رهبر انقلاب مسائل را دنبال می‌کرده و بر امور نظارت داشته است. برای مثال امام جمعه موقت خرم‌آباد با اشاره به مذاکرات و تعاملات اخیر میان ایران و آمریکا، گفت: «چارچوب‌ها و خطوط اصلی این مسیر از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به روشنی تبیین شده است و مسئولان نیز با هدف خدمت به مردم و صیانت از منافع ملی، این روند را پیگیری می‌کنند». در سوی دیگر مصطفی کوکبیا، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه این جنگ اثبات قدرت ایران بود و هم میدان خوب عمل کرد هم دیپلماسی، تأکید کرده بود: «همه مذاکرات زیر نظر مقام معظم رهبری است و باید از این مسیر حمایت شود». ضمن اینکه، در اصل ۱۱۰ قانون اساسی به صراحت قید شده که موضوعات کلان مانند اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها برعهده رهبر انقلاب است. انتشار پیام رهبر انقلاب موجب شد که برخی گمان‌کنند که ایشان با تفاهم و مذاکره با آمریکا موافق نبوده و به درخواست دکتر پزیشکیان با آن موافقت کرده‌اند. جمله ایشان چنین است: «بهنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رئیس جمهور محترم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند اجازه آن را صادر نمودم». آنچه که از این جمله برمی‌آید، تأکید بر نقش بی‌بدیل و والای رئیس جمهور است که با رای مردم به این مسئولیت رسیده است. به عبارت دیگر رهبر انقلاب به شکل ضمنی بر جایگاه ریاست جمهوری تأکید کرده‌اند. هرچه باشد چنان که تاکنون زیر نظر ایشان مراحل مذاکراتی طی شده، پس از این هم مراحل فنی مذاکره برای رسیدن به وضعیت مرضی‌الطرفین با رهنمایی‌ها و نظارت ایشان خواهد بود.

آرمان ملی: تندروهایی که تاکنون تلاش داشته‌اند اجتماع شبانه مردم را به سمت دلخواه بکشاند، حملات خود را به محمد باقر قالیباف به عنوان مسئول هیات مذاکره‌کننده و رئیس جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی تشدید کرده‌اند. بدون هیچ تردیدی باید گفت تسلط تندروها در اجتماع شبانه مردم، کم‌کم اجتماعی را که در حمایت قاطع از نیروهای رزمنده کشور در جنگ رمضان ایجاد شده بود، به سوی مقابله سیاسی با رقیب کشاند و تندروها در این راه چنان ثابت قدم بوده‌اند که کم شدن از تعداد مردم شرکت‌کننده به نسبت شب‌های قبل برای آنها اهمیت نداشت. در واقع علت اصلی تفاوت عمیق بین دو نگاهی که این روزها در عملکرد و گفتار دو گروه از مردم منعکس شده، به تفاوت در نگاه آنها به اصل درگیری و جنگ برمی‌گردد. یک نگاه برآمده از تفکری است که باید جنگ را تا زمانی که دشمن صهیونیستی نابود شده ادامه داد و تقاضای مطرح شده برای رفع مخاصمه، چیزی جز تلاش دشمن برای راهی‌ای معرکه نیست. نگاه دیگر اتکالی بیشتری به واقعیت دارد و ادامه جنگ را فرسایش سرمایه‌های مادی و معنوی کشور می‌داند. از این رو برای جلوگیری از صدمه بیشتر به کشور مترصد فرصتی بود که اگر دشمن به ناتوانی خود در رسیدن به اهدافش اقرار کرد، با توجه به دست‌بالا در میدان، ادامه کار را به دیپلماسی واگذار کند. با معرفی محمد باقر قالیباف به عنوان مسئول تیم مذاکره‌کننده، مخالفان مذاکره در سکوت فرو رفتند. آنها گویا انتظار نداشتند که این مسئولیت بر عهده قالیباف قرار بگیرد که سابقه‌ای طولانی و روشن در جنگ و جهاد دارد. بخصوص که در طول جنگ خبرهای غیر رسمی حکایت از تأثیر قالیباف در اتخاذ روش‌ها و تاکتیک جنگ بود و به احتمال زیاد قالیباف در اتاق فرماندهی حضور داشته است، اما تندروها نشان داده‌اند که هرگاه موضوعی را مخالف دیدگاه‌های خود ببینند، با آن مخالفت و مقابله خواهند کرد. سخنان حمید رسایی و اشاره به فرزند نوح پیامبر یا سخنان امیرحسین ثابتی مبنی بر اینکه «جهت‌گیری‌های شورای عالی امنیت ملی عموماً متأثر از دولت‌هاست؛ چون اکثر اعضای دارای حق رای شعاع را دولتی‌ها تشکیل می‌دهند» را باید در همین راستا دید. ثابتی با این سخنان سعی داشت نشان دهد که رهبر انقلاب تحت تأثیر دولت قرار می‌گیرد.

گزارش

تماس‌هایی که دیگر دوستانه نیست

ترامپ در برابر بی‌بی به زور متوسل می‌شود؟

رابطه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، هرچند پیش از آغاز جنگ با ایران و در اوایل آن مثبت بود، اما به تدریج با تغییر رویکرد ترامپ در قبال ایران، به نظر می‌رسد این دو به نوعی تضاد منافع رسیده باشند.

تلاش اسرائیل برای باقی ماندن در لبنان
تل آویو در حال مذاکره با آمریکا درباره ادامه استقرار نیروهایش در لبنان است. دو مقام اسرائیلی، از جمله یک مقام ارشد نزدیک به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، روز پنجشنبه به رویترز گفتند که اسرائیل در حال مذاکره با ایالات متحده است تا بتواند استقرار نیروهای خود در جنوب لبنان را ادامه دهد. این مقامات که به دلیل حساسیت مذاکرات نخواسند نامشان فاش نشود، یک روز پس از آن این اظهارات را مطرح کردند که آمریکا و ایران یک توافق موقت امضا کردند که در آن از طرف‌ها خواسته شده «تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان» را تضمین کنند. اسرائیل مناطقی را که در لبنان، غزه و سوریه به تصرف درآورده است «مناطق حائل» میان خود و دشمنانش توصیف می‌کند؛ مفهومی که به یکی از ارکان اصلی سیاست امنیتی اخیر اسرائیل تبدیل شده است. نتانیاهو درخواست‌ها برای خروج نیروهای اسرائیلی از این مناطق را رد کرده است.

تماس‌هایی غیردوستانه

واشنگتن پست نیز در گزارشی به سیر روابط نتانیاهو و ترامپ در ماه‌های اخیر پرداخته است: «چرا ساختمان‌ها را منفجر می‌کنی؟» این پرسش ترامپ از رهبر اسرائیل در یک تماس تلفنی اخیر است. این تماس‌های بی‌دریبی دیگر چندان دوستانه نیستند. درحالی‌که دونالد ترامپ تلاش می‌کرد به جنگ ایران پایان دائمی دهد، جنگی که بر اقتصاد آمریکا فشار وارد کرده و قیمت بنزین را بالاتر از ۴ دلار در هر گالون نگه داشته است، او سخنان تندی برای شریکی داشت که از راه‌برود به این جنگ تشویق کرده بود. به گفته افرادی که از خبر درباره لبنان به نخست‌وزیر اسرائیل گفت: «چرا داری ساختمان‌ها را منفجر می‌کنی؟ ساختمان‌ها را منفجر نکن». در تماس دیگری، او شکانی کرد که رکود جهانی ناشی از جنگ ممکن است نام او را به‌رهبر ترور و رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ گره بزند. ناامیدی ترامپ از نتانیاهو در هفته‌های اخیر بارها به نقطه جوش رسیده است؛ زیرا او می‌کوشد به جنگ ایران پایان دهد. درحالی‌که نخست‌وزیر اسرائیل تلاش دارد درگیری‌ها ادامه یابد. این رابطه پیامدهای مهمی برای منطقه‌ای دارد که در آستانه یک توافق احتمالی صلح قرار گرفته است؛ توافقی که ممکن است با حملات نظامی بیشتر اسرائیل از بین برود. طبق یادداشت تفاهم امضا شده، تهران پذیرفته در ازای پایان محاصره آمریکا اجازه فروش نفت ایران در بازارهای جهانی، تنگه هرمز را به‌طور کامل بازگشایی کند. دو طرف همچنین تصمیم گرفته‌اند مذاکرات دشوارتر درباره برچیدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به ۶۰ روز آینده موکول کنند. مقام‌های اسرائیلی از اعلام آتش بس در روز پنجشنبه غافلگیر شدند و تصور می‌کردند ترامپ بیشتر به حملات نظامی تمایل دارد تا دستیابی به توافق. به گفته مقام‌های اسرائیلی، نیروهای این رژیم حتی برای انجام حملات احتمالی در آماده‌باش قرار داشتند. در یکی از تماس‌های اخیر، نتانیاهو درباره مفاد هسته‌ای توافق احتمالی از ترامپ پرسید: «دونالد، چگونه می‌خواهی این را استی‌آزمایی کنی؟» به گفته افراد مطلع از این تماس، نتانیاهو در تماس‌های دیگر نیز دلایل تاریخی متعددی برای بی‌اعتمادی به ایرانیان مطرح کرده است. در مقابل، ترامپ به مشاورانش گفته است: «هیچ‌کس نمی‌تواند نتانیاهو را کنترل کند. او می‌خواهد همه را بمباران کند». درحالی‌که ترامپ بر ضرورت بازگشایی تنگه هرمز بر ایران ادامه یابد. پس از آن‌که هفته گذشته مطلع شد ترامپ قصد دارد توافقی را امضا کند و اسرائیل را عمل‌کنار بگذارد، نتانیاهو خواستار دیداری فوری با او شد. چند روز بعد، مقام‌های اسرائیلی پیش‌نویس توافق را مشاهده کردند.

رابطه‌ای پیش‌بینی‌ناشدنی

ترامپ روز یکشنبه در مصاحبه‌ای گفت اسرائیلی‌ها از توفیق خوششان خواهد آمد. درحالی‌که نشانه‌های مخالی بروز داده بودند و هنوز متن آن را ندیده بودند. او همچنین تأکید کرد که رابطه میان دو طرف حدود و مرزهای مشخصی دارد و گفت نتانیاهو: «بزای هر کاری از ما اجازه می‌گیرد». این اظهارنظر در اسرائیل به عنوان تحقیر علنی نخست‌وزیر تلقی شد. ترامپ افزود: «او ما را طرف بزرگی می‌نامد و خودش طرف کوچک است». به گفته مقام‌های آمریکایی، ماهیت متغیر رابطه ترامپ و نتانیاهو‌ها موجب اختلافات داخلی شده است. نتانیاهو معمولاً به دنبال جلب تأیید ترامپ بوده، اما در برخی موارد پیش از دریافت چراغ سبز واشنگتن دست به حمله زده است. ناتان ساکس، پژوهشگر ارشد مؤسسه خاورمیانه، می‌گوید: «بی‌بی از اینکه ترامپ علیه او موضع بگیرد وحشت دارد، اما هم‌زمان ترامپ را فردی می‌بیند که می‌توان او را درباره هر چیزی متقاعد کرد؛ از جمله حمله به ایران». به گفته مقام‌های دولت آمریکا، نارضایتی از نتانیاهو در بخش‌های مختلف دولت ترامپ افزایش یافته است. برخی مقامات کاخ سفید حتی این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا نتانیاهو تلاش کرده جنگ ایران را طولانی کند تا موقعیت سیاسی داخلی خود را تقویت کند یا خیر. از سوی دیگر، برخی مقام‌های اسرائیلی نیز علیه تعدادی از مشاوران ترامپ موضع گرفته‌اند؛ زیرا معتقدند آنان اطلاعات منفی درباره اسرائیل در اختیار رئیس‌جمهور قرار می‌دهند.

انتخابات دشوار نتانیاهو

نتانیاهو در انتخابات پاییزی در قلابتی دشوار روبه‌روست و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که او احتمالاً قادر به کسب اکثریت لازم برای تشکیل دولت نخواهد بود. ترامپ پیش‌تر با درخواست علنی برای عفو نتانیاهو در پرونده فساد مالی‌اش به کمک او آمده بود و نزدیکان نخست‌وزیر امیدوار بودند که رئیس‌جمهور آمریکا در مبارزات انتخاباتی نیز او را حمایت کند؛ اما اکنون چنین احتمالی بسیار کم‌رنگ به نظر می‌رسد.